



ولادت حضرت

علی (ع) مبارک باد



ولادت و حسب و نسب

بنا به نوشته مورخین ولادت علی علیه السلام در روز جمعه ۱۳ رجب در سال سی ام عام الفیل^(۱) بطرز عجیب و بی سابقه ای در درون کعبه یعنی خانه خدا بوقوع پیوست، محقق دانشمند حجة الاسلام نیر گوید:

ای آنکه حریم کعبه کاشانه توست
بطحا صدف گوهر یکدانه توست
گر مولد تو بکعبه آمد چه عجب
ای نجل خلیل خانه خود خانه توست

پدر آنحضرت ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف و مادرش هم فاطمه دختر اسد بن هاشم بود بنا بر این علی علیه السلام از هر دو طرف هاشمی نسب است^(۲)

اما ولادت این کودک مانند ولادت سایر کودکان بسادگی و بطور عادی نبود بلکه با تحولات عجیب و معنوی توأم بوده است مادر این طفل خدا پرست بوده و با دین حنیف ابراهیم زندگی می کرد و پیوسته بدرگاه خدا مناجات کرده و تقاضا می نمود که وضع این حمل را بر او آسان گرداند زیرا تا به این کودک حامل بود خود را مستغرق در نور الهی می دید و گوئی از ملکوت اعلی بوی الهام شده بود که این طفل با سایر موالید فرق بسیار دارد.

شیخ صدوق و فتال نیشابوری از یزید بن قنعب روایت کرده اند که گفت من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از عبد العزی در کنار خانه خدا نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد مادر امیر المؤمنین در حالیکه نه ماه به او آبستن بود و درد مخاض داشت آمد و گفت خدایا من به تو و بدانچه از رسولان و کتابها از جانب تو آمده اند ایمان دارم و سخن جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می کنم و اوست که این بیت عتیق را بنا نهاده است بحق آنکه این خانه را ساخته و بحق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان گردان ، یزید بن قنعب گوید ما بچشم خود دیدیم که خانه کعبه از پشت (مستجار) شکافت و فاطمه بدرون خانه رفت و از چشم ما پنهان گردید و دیوار بهم بر آمد چون خواستیم قفل درب خانه را باز کنیم گشوده نشد لذا دانستیم که این کار از امر خدای عز و جل است و فاطمه پس از چهار روز بیرون آمد و در حالیکه امیر المؤمنین علیه السلام را در روی دست داشت گفت من بر همه زندهای گذشته برتری دارم زیرا آسبه خدا را به پنهانی پرستید در آنجا که پرستش خدا جز از روی ناچاری خوب نبود و مریم دختر عمران نخل خشک را بدست خود جنبانید تا از خرما تازه چید و خورد (و هنگامیکه در بیت المقدس او را درد مخاض گرفت ندا رسید که از اینجا بیرون شو اینجا عبادتگاه است و زایشگاه نیست) و من داخل خانه خدا شدم و از میوه های بهشتی و بار و برگ آنها خوردم و چون خواستم بیرون آیم هاتفی ندا کرد ای فاطمه نام او را علی بگذار که او علی است و خداوند علی الاعلی فرماید من نام او را از نام خود گرفتم و بابد خود تأدیبش کردم و او را بغامض علم خود آگاه گردانیدم و اوست که بنتها را از خانه من می شکنند و اوست که در بام

خانه ام اذان گوید و مرا تقدیس و تمجید نماید خوشا بر کسیکه او را دوست دارد و فرمانش برد و وای بر کسی که او را دشمن دارد و نافرمانیش کند.^(۳) و چنین افتخار منحصر بفردی که برای علی علیه السلام در اثر ولادت در اندرون کعبه حاصل شده است بر احدی از عموم افراد بشر چه در گذشته و چه در آینده بدست نیامده است و این سخن حقیقتی است که اهل سنت نیز بدان اقرار و اعتراف دارند چنانکه ابن صباغ مالکی در فصول المهمه گوید: و لم یولد فی البیت الحرام قبله احد سواه و هی فضیله خصه الله تعالی بها اجلالا له و اعلاء لمرتبه و اظهارا لتکرمته.^(۴) یعنی پیش از آنحضرت احدی در خانه کعبه ولادت نیافت مگر خود او و این فضیلتی است که خدای تعالی به علی علیه السلام اختصاص داده تا مردم مرتبه بلند او را بشناسند و از او تجلیل و تکریم نمایند. در جلد نهم بحار در مورد وجه تسمیه آنحضرت به علی چنین نوشته شده است که چون ابوطالب طفل را از مادرش گرفت به سینه خود چسباند و دست فاطمه را گرفته و بسوی ابطح آمد و به پیشگاه خداوند تعالی چنین مناجات نمود.

یا رب هذا الغسق الدجی
و القمر المبتلج المضى
بین لنا من حکمک المقضی
ماذا تری فی اسم ذا الصبی^(۵)
هاتفی ندا کرد:

خصصتما بالولد الزکی
و الطاهر المنتجب الرضی
فاسمه من شامخ علی
علی اشتق من العلی^(۶)

علمای بزرگ اهل سنت نیز در کتب خود بهمین مطلب اشاره کرده اند و محمد بن یوسف گنجی شافعی با تغییر چند لفظ و کلمه در کفایة الطالب چنین می نویسد که در پاسخ تقاضای ابوطالب ندائی برخاست و این دو بیت را گفت.

یا اهل بیت المصطفی النبی
خصصتم بالولد الزکی
ان اسمه من شامخ العلی
علی اشتق من العلی^(۷)

و در بعضی روایات آمده است که فاطمه بنت اسد پس از وضع حمل (پیش از اینکه بوسیله ندای غیبی نام او علی گذاشته شود) نام کودک را حیدر نهاد و هنگامیکه او را قنذاق کرده بدست شوهر خود میداد گفت خذ فانه حیدره و بهمین جهت آنحضرت در غزوه خیبر بمرحب پهلوان معروف یهود فرمود:

انا الذی سمتنی امی حیدره
ضرغام اجام و لیث قسوره^(۸)

و چون نام آنحضرت علی گذاشته شد نام حیدر جزو سایر القاب بر او اطلاق گردید و از القاب مشهورش حیدر و اسد الله و مرتضی و امیر المؤمنین و اخو رسول الله بوده و کنیه آن جناب ابوالحسن و ابوتراب است.

همچنین خدا پرستی و اسلام آوردن فاطمه و ابوطالب نیز از روایات گذشته معلوم می شود که آنها در جاهلیت موحد بوده و برای تعیین نام فرزند خود بدرگاه خدا استغاثه نموده اند، فاطمه بنت اسد برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بمنزله مادر بوده و از اولین گروهی است که به آنحضرت ایمان آورد و بمدینه مهاجرت نمود و هنگام وفاتش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیراهن خود را برای کفن او اختصاص داد و بجزانهاش نماز خواند و خود در قبر او قرار گرفت تا وی از فشار قبر آسوده گردد و او را تلقین فرمود و دعا نمود.^(۹)

و ابوطالب هم موحد بوده و پس از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدو ایمان آورده و چون شیخ و رئیس قریش بود لذا ایمان خود را مصلحه مخفی می نمود، در امالی صدوق است مردی به ابن عباس گفت ای عموزاده رسول خدا مرا آگاه گردان که آیا ابوطالب مسلمان بود؟ گفت چگونه مسلمان نبود در حالیکه می گفت:

و قد علموا ان ایننا لا مکذب
لدینا و لا یعبأ بقول الا باطل

یعنی مشرکین مکه دانستند که فرزند ما (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نزد ما مورد تکذیب نیست و به سخنان بیپهوده اعتناء نمی کند مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که ایمان خود را در دل مخفی نگه می داشتند و ظاهرا مشرک بودند و خداوند دو ثواب به آنها داد، حضرت صادق علیه السلام هم فرمود مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که در دل ایمان داشتند و ظاهرا مشرک بودند و خداوند دو پاداش (یکی برای ایمان و یکی برای تقیه) به آنها داد.^(۱۰)

اشعار زیادی از ابوطالب در مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مانده است که اسلام وی از مضمون آنها کاملا روشن و هویداست چنانکه به آنحضرت خطاب نموده و گوید:

و دعوتنی و علمت انک ناصحی
و لقد صدقت و کنت قبل امینا

و ذکرت دینا لا محاله انه
من خیر ادیان البریه دینا^(۱۱)

بحضرت صادق عرض کردند که (اهل سنت) گمان کنند که ابوطالب کافر بوده است فرمود دروغ گویند چگونه کافر بود در حالیکه می گفت:

ألم تعلموا انا وجدنا محمدا
نبیا کموسی خط فی اول الکتب^(۱۲)

شیخ سلیمان بلخی صاحب کتاب ینابیع الموده درباره ابوطالب گوید: و حامی النبی و معینه و محبه اشد حبا و کفيله و مربیه و المقر بنبوته و المعترف برسالته و المنشد فی مناقبه ابیاتا کثیره و شیخ قریش ابوطالب.^(۱۳) یعنی ابوطالب که رئیس و بزرگ قریش بود حامی و کمک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و او را بسیار دوست داشت و کفیل معیشت و مربی آنحضرت بود و به نبوتش اقرار و به رسالتش اعتراف داشت و در مناقب او اشعار زیادی سروده است. (درباره اثبات ایمان ابوطالب مطالب زیادی در کتب دینی نوشته شده و کتابهای مستقلی نیز مانند کتاب ابوطالب مؤمن قریش برشته تألیف در آمده است) .

باری ولادت علی علیه السلام در اندرون کعبه مفاخر بنی هاشم را جلوه تازه ای بخشید و شعرای عرب و عجم در این مورد اشعار زیادی سروده اند که در خاتمه این فصل بچند بیت از سید حمیری ذیلا اشاره می گردد.

ولدته فی حرم الاله امه
و البیت حیث فنائه و المسجد
بیضاء طاهره الثیاب کریمه
طابت و طاب ولیدها و المولد
فی لیله غابت نحوس نجومها
و بدت مع القمر المنیر الاسعد
ما لف فی خرق القوابل مثله
الا ابن امنه النبی محمد^(۱۴)

مادرش او را در حرم خدا زائید در حالیکه بیت و مسجد الحرام آستانه او بود. آن مادر نورانی که لباسهای پاکیزه ببر داشت و خود پاکیزه بود و مولود او و محل ولادت نیز پاکیزه بود.

در شیی که ستاره های منحوشش ناپیدا بوده و سعیدترین ستاره بهمراه ماه پدید آمده بود .

قابله های (دنیا) هیچ مولودی را مانند او لباس نبوشاننده اند (یعنی هرگز مولودی مانند او بدنیایا نیامده) بجز پسر آمنه محمد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم.

پی نوشتها:

(۱) حبشی های فیل سوار که باصحاب فیل سوار که باصحاب فیل مشهورند تحت فرماندهی ابرهه برای ویران کردن کعبه به مکه آمده بودند که خداوند همه آنها را هلاک نمود و خود ابرهه نیز آخرین نفر بود که بهلاکت رسید چنانکه در قرآن کریم فرماید: (ألم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل؟) اعراب حجاز آن سال را مبارک شمرده و نامش را عام الفیل گذاشتند و ولادت نبی اکرم نیز در همان سال بوده است تا ۷۱ سال پس از آن واقعه یعنی تا سال ۱۸ هجری عام الفیل مبدأ تاریخ مسلمین بود ولی در سال مزبور که ششمین سال خلافت عمر بود به راهنمایی حضرت امیر از عام الفیل صرفنظر و سال هجرت نبوی مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت.

(۲) ابوطالب پیش از ولادت علی علیه السلام دارای سه پسر دیگر هم بود که به ترتیب عبارتند از طالب، عقیل، جعفر.

(۳) امالی صدوق مجلس ۲۷ حدیث ۹- روضه الواعظین جلد ۱ ص ۷۶- بحار الانوار جلد ۳۵ ص ۸- کشف الغمه ص ۱۹۰

(۴) فصول المهمه ص ۱۴۰

(۵) ای پروردگار صاحب شب تاریک و ماه نور دهنده از حکم مقضی خود برای ما آشکار کن که اسم این کودک را چه بگذاریم.

(۶) شما دو نفر (ابوطالب و فاطمه) اختصاص یافتید بفرزند پاکیزه و برگزیده و پسندیده پس نام او علی است و علی از نام خداوند علی الاعلی مشتق شده است.

(۷) ینابیع الموده باب ۵۶ ص ۲۵۵- کفایة الطالب ص ۴۰۶

(۸) من آن کسم که مادرم نام مرا حیدر نهاد، شیر بیشه ام چنان شیری که زورمند و پنجه افکن باشد.

(۹) اعلام الوری-اصول کافی جلد ۲ ابواب تاریخامالی صدوق مجلس ۵۱ حدیث ۱۴۰

(۱۰) امالی صدوق مجلس ۸۹ حدیث ۱۲ و ۱۳- روضه الواعظین جلد ۱ ص ۱۳۹

(۱۱) بحار الانوار جلد ۳۵ ص ۱۲۴- (مدین خود) دعوت کردی و من دانستم که یقینا تو خیر خواه منی و تو از این پیش راستگو و امین بودی و دینی را برمردم عرضه داشتی که آن بهترین ادیان است.

(۱۲) اصول کافی جلد ۲ باب ابواب تاریخا یا ندانستید که ما محمد(ص) را مانند موسی به پیغمبری یافتیم که در کتابهای گذشته نامش نوشته شده است.

(۱۳) ینابیع الموده باب ۵۲ ص ۱۵۲۰



روز پدر گرامی، میلاد حضرت علی (ع) پیشاپیش مبارک!

روز پدر

روز پدر کلاً روز باحالی است. روز مادر هم خوب است اما روز پدر چیز دیگری است. یعنی راستش روز مادر خیلی احساسش بالاست. نمی‌شود با آن شوخی کرد. مادرها هم که حساس هستند و نازنین. فقط کافی است یک هدیه عجیب و غریب بخری و تقدیمش کنی! دیگر تمام است! تا یک هفته می‌نشیند فکر می‌کند که منظور این بچه از خرید این هدیه چه بوده است؟ "یعنی من مادر خوبی نبوده‌ام؟" "یعنی نتوانسته‌ام به درستی او را درک کنم؟" کدام حرف نگفته را می‌خواهد با این هدیه بزند؟ به هر قسم و آیه‌ای هم متوسل شوی که قصدت یک شوخی بیشتر نبوده فایده‌ای ندارد! تازه خیلی گیر بدهی می‌گوید توی سرت که "پس می‌خواستی مسخره بازی در بیاری؟" و مجبور می‌شوی همین را گردن بگیری تا راحت شوی. یک چیزی توی مایه‌های انتخاب کردن بین گیوتین و چوبه دار!

روز پدر اما خوراک شادمانی است. البته به اخلاق پدر معظم هم بستگی دارد ولی عموماً همین جور است. کاش زودتر اختراع شده بود. حیف! حیف از آن سالهایی که ما بدون روز پدر روزگار گذارندیم! چقدر سختی! چقدر نبود امکانات! چند سال پیشتر از این، همان موقع که دانشمندان تازه روز پدر را کشف کرده بودند و مادر ما هم دل و دماغ این کارها را داشت، چند هفته یا چند روز قبل از روز پدر نزد بابای محترم می‌رفت و تقاضای دریافت مقادیری وجه نقد می‌کرد. ابوی عزیز هم که طبق عادت دلایل محکمی برای خالی شدن جیب خود می‌طلبید. طفلک مادرم: "لازم دارم دیگه!" و این لازم دارم دیگه را طوری می‌گفت که تا پشت هفتم پدرم هم متوجه قضیه می‌شد. در این لحظه دلم برای پدر عزیزم می‌سوخت. چون هم باید جیبش را خالی می‌کرد و هم خودش را چنان به کوچه علی چپ می‌زد که احتمال گم شدنش بیش از ۹۹ درصد می‌شد!

البته این مشکل همه مردانی است که همسرشان خانه دار است و مشکل همه خانم‌هایی است که خانه‌دار هستند. کلاً از درآمد کسی برای خودش چیز خریدن خیلی سخت است. اسب اگر پیشکش باشد دندانپزشک را نمی‌شمارند ولی اگر نباشد باید کلی بگردی تا یک تمام دندانش را پیدا کنی! البته به نظر من پولی که به خانه می‌آید مال همه است اما زن‌های جامعه ما اینقدر دلسوزند که این حرفها برایشان مهم نیست! بگذریم. چند روز بعد روز پدر است! شما را نمی‌دانم اما من که روز پدر خیلی راحتیم. پدر نازنین من اصلاً ناز ندارد! می‌روم دستش را می‌گیرم و با هم می‌رویم بازار! هر چه بخواهد خودش انتخاب می‌کند، چانه‌هایش را می‌زند و در آخر با اشاره ابرو دستور پرداخت می‌دهد. تازه یک جوری نگاهت می‌کند که با همه وجود درک کنی که وظایفات است و یک وقت خیال برت ندارد که کار مهمی کرده‌ای!

واقعاً هم کار مهمی نیست. باباهای عزیز خیلی گردن ما حق دارند. یک بازیگر دست چندم هم که باشی وقتی توی خیابان راه می‌روی همه به هم نشانت می‌دهند و درباره‌ات صحبت می‌کنند. اما باید خیلی کارگردان بزرگی باشی تا این اتفاق برایت بیفتد. پدرها هم مثل کارگردان‌ها هستند. همیشه پشت صحنه کار می‌کنند. هر وقت می‌خواهیم یک متن ادبی بنویسیم از لحظه‌ای می‌نویسیم که مادرمان تا صبح بالای سرمان بیدار مانده، پاشویه‌مان کرده و با دستمال‌های خیس تبمان را پایین آورده. هیچ وقت کمی آن طرف‌تر را نمی‌بینیم. کسی که لگن پاشویه را می‌آورده و دستمال‌های خشک را دوباره خیس کرده

مال اندوزی و شهرت طلبی به دور بود. او هم مردی سلحشور و هم فردی سخنور و شاعر بود، و تمام صفات لازمه اولیاء الله در وجودش جمع بود.

جرج جرداق

در کتاب خود با عنوان امام علی صدای عدالت انسانیت می‌گوید: مسلمانان نخست صدر اسلام به خدایان قریش سجده می‌کردند، در حالیکه نخستین سجده علی برای خدای محمد بود. این اسلام فردی است که امکان یافته تا بر پایه نیکی و پرورش پیامبر اسلام رشد و نمو کند، تا پس از او پیشوایی درستکار و داد گستر باشد.

مترجم: عاطفه انصاری پور کارشناس مطالعات ترجمه

کلمات قصار حضرت علی (ع)

۱- خشم خود را فرو خور، که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن ننوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام.

1-Fit into your anger, I sip more of a sweet and final Nnvshydm Gvaratr've seen it.

۲- نه مرگ آنقدر ترسناک است و نه زندگی آنقدر شیرین که آدمی پای بر شرافت خود گذارد.

2- Death is not scary enough and not so sweet life of the human foot leaves Brshraft.

۳- بترسید از خدای آنچنانی که اگر بگوئید می‌شوند و اگر از اندیشه بگذرانید می‌داند.

3- Fear god, for he hears all you say and knows all you think.

۴- بزرگترین سرمایه اعتماد به نفس است.

4- The greatest asset is self-confidence.

۵- اگر دوست می‌دارید خدای را، پس دوستی این جهان را از دل بیرون کنید

5- If you love god tear out of your heart the love of the world.

نویسندگان: رامین رضائی و مسعود احمدی

جملات قصار مقام معظم رهبری درباره شخصیت

حضرت علی (ع)

۱- آن حضرت تجسم آیات قرآن در میان مسلمین و تجسم عدل مطلق و «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» بود.

۲- امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) جزو شخصیت‌های نادری است که ... نه فقط در میان شیعیان، بلکه در میان همه‌ی مسلمانان و بلکه در میان انسانهای آزاداندیش غیرمسلمان، محبوب بوده است.

۳- علی (علیه‌السلام) ظلم‌ستیز بود و با ظلم و ظالم در هر سطح و با هر کیفیتی می‌جنگید. راه او، راه ما و کسانی است که ادعای پیروی از امیرالمؤمنین دارند.

اعترافات اندیشمندان غیر مسلمان در

مورد شخصیت حضرت علی (ع)

حضرت علی علیه السلام شخصیتی بزرگ و بی‌بدیل است که در طول تاریخ همواره مورد مدح و ستایش بزرگان قرار گرفته و حتی کسانی که به امامت علی (ع) باور ندارند نیز، او را در نوع خود یگانه و بی‌نظیر می‌دانند؛ آنان به عظمت محل تولد امام علی (ع) که همانا خانه کعبه باشد، اعتراف دارند و این فضل و برتری بی‌بدیل را برای آن حضرت قبول دارند. بطور مثال جان نور من هالیستر در کتاب تاریخ تشیع در هند می‌گوید: علی(ع) بود که در بیت مقدس کعبه سال ۶۰۰ میلادی به دنیا آمد، مکانی که از ابتدای بنای آن در هزاران سال پیش کسی در آن متولد نشده بود. علی (ع) نخستین بار بر روی محمد(ص)، که وی را آغوش گرفته بود و نوازش می‌داد، چشم گشود. و همین اعتقاد را جرج جرداق مسیحی در کتاب امام علی صدای عدالت انسانیت، نیز قبول داشته و معترف به آن می‌باشد مطلبی که پیش رو دارید نمونه دیگری از گفتار اندیشمندان غیر مسلمان درباره حضرت علی (ع) است.

کارلایل

کارلایل فیلسوف انگلیسی، درباره علی چنین می‌گوید: " ما نمی‌توانیم علی را دوست نداشته باشیم و به وی عشق نورزیم زیرا هر چه خوبی هست که ما آن را دوست داریم همه در علی جمع است. ایشان جوانمرد و بزرگوار بودند که قلب و جانشان سرشار از مهر و دلیری بود اما شجاعتشان آمیخته با مهر و عطوفت و لطف و احسان بود. پیش از رحلت خود درباره قاتلش از او نظر خواستند، فرمود: اگر زنده ماندم خود می‌دانم چه کنم و اگر درگذشتم اختیار با شماست، اگر می‌خواهید او را قصاص کنید یک ضربت بیشتر به او زنید و اگر عفو کنید به تقوا نزدیک‌تر است."

لامنس

لامنس یک کشیش بلژیکی است که در زبان عربی و تاریخ عرب مهارت داشت. او درباره علی (ع) می‌گوید: " برای عظمت علی این بس که تمام اخبار و تواریخ علمی اسلامی از او سرچشمه می‌گیرد. علمای اسلام از مخالف و موافق، از دوست و دشمن مفتخرند که گفتار خود را به علی مستند دارند چرا که گفتار او حجیت قطعی داشت، او باب مدینه علم بود و با روح کلی پیوستگی تام داشت."

مادام دیالافوا

در مقام تعریف حضرت علی (ع) چنین می‌نویسد: " احترام علی (ع) در نزد شیعه به منتها درجه است و زیرا ایشان علاوه بر جنگ‌ها و فداکاری‌هایی که برای پیشرفت اسلام کرد، در دانش، عدالت و صفات نیکو بی‌نظیر بود و نسلی پاک و مقدس نیز از خود باقی گذاشت. فرزندانش نیز به پیروی از ایشان و برای پیشرفت مذهب اسلام، مظلومانه تن به شهادت دادند. علی(ع) کسی است که در قضاوت به منتها درجه عدالت رفتار می‌کرد و در اجرای قوانین الهی اصرار و پافشاری داشت."

ایلیا پاولیچ پتروشفسکی

استاد تاریخ در دانشگاه سن پتر زبورگ در کشور روسیه در کتاب اسلام در ایران، درباره ویژگی حضرت علی (ع) اینطور می‌نویسد: " علی، تا سرحدّ شور و عشق، پایبند به دین بود، صادق و راستگوار بود، در امور اخلاقی بسیار خرده گیر بود، از